



محیط زیست قانون جامع حمایتی می خواهد

عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان، جرم شناس و پژوهشگر حقوق کفیری بین المللی معتقد است به رغم ورود خوب قانون اساسی به موضوع محیط زیست، اما در قوانین عادی و حمایتی محیط زیستی قوی عمل نشده است. فریدون جعفری در گفت و گو با «جوان» سؤالاتی را درباره جرم شناسی در حوزه محیط زیست پاسخ داده است که در ادامه می خوانید:

■ قانون اساسی فعلی ما اصل مندرج در آن در حوزه محیط زیست کافی است؟

اصل ۵۰ قانون اساسی یکی از اصول مترقی نسبت به زمان خود در حوزه محیط زیست محسوب می شود. طبق کلیت مندرج در قانون اساسی تخریب محیط زیست بر اساس منافع یا فعالیت های اقتصادی ممنوع اعلام شده است.

طبیعتا قوانین اساسی کشورها به کلیات می پردازند و برای ورود به جزئیات باید به قوانین عادی (اصولا در چارچوب قانون اساسی هستند) رجوع کرد. در واقع قانون اساسی ضعف ندارد و در قالب یک اصل کلی اشاره و بزه کرده است، اما به رغم ورود خوب قانون اساسی به موضوع محیط زیست، در قوانین عادی و حمایتی قوی عمل نکردیم. در واقع در این حوزه قوانین عادی ما مثل قانون اساسی روز آمد نیست.

■ آیا سایر قوانین و اسناد بالادستی تأمین کننده شرایط برای اجرای اصل ۵۰ قانونی اساسی خواهند بود؟

ام القوانین هر کشوری قانون اساسی است که در آن ساختار و توزیع قدرت و نحوه اعمال افراد پیش بینی می شود. حق بر محیط زیست با حمایت از آن در قانون اساسی ما یک اصل حمایتی محسوب می شود، یعنی ایجاد کننده حق نیست و از آن حقی که مفروض گرفته شده در قبال تخریب های احتمالی حمایت می کند. این بالاترین قانون است و بقیه قوانین و سیاست ها باید از قانون اساسی تبعیت کنند. آنچه در ساختار قدرت وجود دارد مسلما تصمیماتی که در قالب کلی از جانب رهبر معظم انقلاب مطرح می شود تا حدودی می تواند تکلیف حوزه های اجرایی (دولت، مجلس و قوه قضائیه) را تحت عنوان سیاست های کلان ابلاغی از سوی رهبری روشن کند، اما تا به حال سیاست های کلان مرتبط با محیط زیست نداشته ایم، یعنی اگر سیاست های کلان محیط زیست در کنار قانون اساسی وجود داشته باشد، فضا برای حمایت از محیط زیست و برای تأمین حقوق مرتبط با آن در کشور محقق می شود.

■ آیا مکانیسم پیشگیری دقیقی در حوزه قوانین محیط زیستی داریم و ضعف یا خلأهای قانونی

در حوزه محیط زیست به کدام موارد بر می گردد؟
ما در حوزه پیشگیری بسیار ضعف داریم و هنوز نتوانسته ایم بر نامه پیشگیرانه متناسب با فرهنگ و جامعه و جغرافیای ایرانی داشته باشیم. در واقع بعضاً نگاه و بنی بنی به محیط زیست وجود دارد. در حوزه پسینی و واکنشی قوانین مختلفی برای محافظت از محیط زیست و متناسب با موضوعات وجود دارد، اما اصلاحات موجود در آن کار شناسی شده و آکادمیک محور نبوده است، به همین خاطر در حوزه محیط زیست ما برای تأمین حقوق مرتبط با آن در کشور محقق نمی شویم.

■ برخی معتقدند ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی و جرم انگاری صورت گرفته تناسبی با شرایط

کشور ندارد، نظر شما در این باره چیست؟

ماده ۶۸۸ ماده محیط زیستی کاملی یا صرفا ماده ای برای حمایت از محیط زیست نیست. موضوع اصلی آن پیدایش عمومی است، یعنی در واقع این ماده رفتار هایی را جرم انگاری کرده که به ضرر بهداشت عمومی محسوب می شود و این رفتار ها ناشی از آلودگی های محیط زیستی است. قانونگذار دنبال این نبوده که به صورت خاص و مشخص رفتار های تخریب کننده را آسیب شناسی کند، اصل این ماده تهدیدات علیه بهداشت عمومی است که برخی از این تهدیدات می تواند از طریق رفتار های آسیب زنده به محیط باشد. اما به نمی توانیم این ماده را یک ماده مناسب و کافی برای مقابله با آسیب های ناشی از محیط زیست و تخریب های محیطی زیستی بدانیم، بلکه این ماده را باید جدا بدانیم. لازم است ما موادی داشته باشیم که به صورت خاص به موضوعات محیط زیستی می پردازد. ما نیاز داریم یک مقررات ویژه ای برای محیط زیست تصویب کنیم تا هم ابعاد کفیری و هم ابعاد مدنی آن جبران شوند. افزون بر این در واقع تکالیفی که همه شهروندان مکلف به انجام آن هستند، دیده خواهد شد.

در دنیا جنبشی ایجاد شده که به دنبال جرم انگاری تخریب محیط زیست به عنوان پنجمین جنایت بین المللی تحت صلاحیت دیوان کفیری بین المللی است و اسم آن را اکوساید گذاشتند و چنین واژه ای ایجاد شده تا در قالب جرم بین المللی و در انتها دگاه دائمی کفیری بین المللی با مر تکبان و مجرمان تخریب محیط زیست مقابله شود.

■ در حالت کلی عملا نیازمند قانونگذاری جدید هستیم؟!

بله ما به قانونگذاری جامع در حوزه محیط زیست نیاز داریم، یعنی به لحاظ حقوقی یک مصوبه قانونی خاص می خواهیم که تمام قوانین برآکنده موجود در سایر مقررات را یک جا جمع کند. همچنین نگاه ما صرف حمایت کفیری نباشد، بلکه در دنیا مجازات آخرین حربه باید باشد. کشور باید به سمتی برود که مقررات جامعی را برای حمایت از محیط زیست داشته باشد، چرا که ما اصل رادر قانون اساسی داریم و با اتفاقا باید با تکیه به همین اصل جهت ارائه محتوای مناسب به سمت قانون جامع برویم.



این ماجرا واقعی است

■ ریحانه گلی پور*

در یک دورهمی خانوادگی یکی از اقوام بسیار ناراحت و در فکر بود.

اطرافیان جویا شدند که حسن آقا چی شده؟! مثل همیشه نیستی؟

حسن آقا با ناراحتی تمام شروع کرد به تعریف کردن.

«بعضی وقت ها آدم در کار خلق خدا متعجب می ماند. چند سال پیش

با یکی از رفیقام زمینی را در لواسان به اسم او، یعنی سامان گرفتیم.

بعد از دو سال من پولی دستم آمد و از رفیقم خواستم بقیه زمین را

به من بفروشد. سامان هم همان زمان رک و صریح گفت «الان به

پولش نیازی ندارم و در صورت فروش، پولم هدر می رود.» به نظر من

منطقی بود و حق را به سامان دادم، اما او به پیشنهاد دادم پیس تو

سهم من را برادر تا من با پول این زمین مشارکتی جای دیگری را

بخرم، بسازم و از آن استفاده کنم. سامان گفت آخه اقتدر پول ندارم

که بخرم، سرمایه است بذارت بعد به کاری کنیم. گفتم باشه اشکالی

ندارد، پس هر وقت خواستی بخبری یا بفروشی به من بگو. سامان هم قبول کرد و گفت حتما. در این چند سال هم هر چند وقت یکبار از او

می پرسیدم، فروشنده نشدی و او هم جواب منفی می داد و می گفت هنوز قصد فروش ندارم.

بی قانونی محیط زیست

کارشناسان حقوقی اعتقاد دارند حوزه محیط زیست

دارای خلأهای قانونی است و ما نیازمند قانونگذاری جامعی برای آن هستیم

حفاظت از محیط زیست در قرن بیست و یکم به عنوان یکی از هشت هدف توسعه هزاره و یکی از سه پایه توسعه پایدار شناخته می شود. محیط زیست طبیعی شامل دانش های متفاوت در علم است، از جمله عوامل زیستی و محیطی در قالب محیط زیست و غیر زیستی (فیزیک - شیمیایی) که بر زندگی یک فرد یا گونه تأثیر می گذارند و از آن تأثیر می بینند. امروزه این تعریف غالباً به انسان و فعالیت های او مرتبط می شود و می توان محیط زیست را مجموعه ای از عوامل طبیعی کره زمین، همچون هوا، آب، اتمسفر، صخره، گیاهان و... که انسان را احاطه می کنند، خلاصه کرد. در کنار این موضوع، تفاوت محیط زیست با طبیعت در این است که تعریف طبیعت شامل مجموعه عوامل طبیعی، زیستی و غیر زیستی می شود که منحصر آد نظر گرفته می شوند، در حالی که عبارت محیط زیست با توجه به برهم کنش های میان انسان و طبیعت و از دیدگاه وی توصیف شده است.

ایران یکی از نخستین کشورها و همچنین یکی از معدود کشورهای جهان است که به مسئله محیط زیست در سطح قانون اساسی اهمیت داده است. اصل ۵۰ قانون اساسی تصریح می کند: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می شود. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیره آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» این در حالی است که انتقاداتی در حوزه مکانیسم پیشگیری و مکانیسم بعد از آلودگی و تخریب در حوزه محیط زیست وجود دارد. برخی معتقدند ماده ۶۸۸ نیز ماده کاملی در حوزه محیط زیست نیست، پیش از این نیز سجاد جلالی، سرپرست دفتر حقوقی و امور مجلس گفته بود: در قوانین مختلف کشور ما برای مخربان محیط زیست از جمله ماده ۶۸۸ قانون مجازات، قانونگذار برای متخلفان جرم انگاری کرده است، اما این جرم انگاری با شرایط فعلی کشور تناسب ندارد. به عنوان مثال یک کارخانه پتروشیمی که سالانه گردش میلیارد دلاری دارد به راحتی علیه محیط زیست اقدام می کند، چرا که جریمه در نظر گرفته شده برای متخلفان نسبت به سود آنها بسیار ناچیز است و ادامه فعالیت با وجود نایده گرفتن محیط زیست برای آنها صرف دارد. در متن ماده ۶۸۸ قانون مجازات آمده است: هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود، از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه ها، زباله در خیابان ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا بساب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع است و مرتکبان چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجاز شدیدی تر نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.

پژوهشگران و کارشناسان حقوقی حوزه محیط زیستی اعتقاد دارند، حوزه محیط زیست دارای خلأهای قانونی است و ما نیازمند قانونگذاری جامع برای آن هستیم.

رئیس اداره تدوین مقررات و امور حقوقی بین المللی سازمان بنادر و دریانوردی معتقد است عدم بازدارندگی مجازات ها و سمن ها به فرآیند قانونگذاری و اجرای قوانین مقررات و نیز نظارت نا کافی بر فرآیندهای اجرای قوانین و مقررات محیط زیستی از جمله خلأها و کاستی های محیطی زیستی در قوانین و مقررات است. صادق جعفری زاده در ابی در گفت و گو با «جوان» به چند سؤال درباره حقوق محیط زیست پاسخ داده است که در ادامه می خوانید:

■ افزایش دانش حقوقی محیط زیست چگونه ممکن است؟

مطابق با اصل ۱۹ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲، آموزش مسائل محیط زیستی هم برای جوانان و هم برای بزرگسالان لازم است و باید توجه مقتضی به کم بر خوردان معطوف داشت تا اینکه بتوان اعتقاد روشن و عملکرد مسئولانه اشخاص، شرکت ها و جوامع را در حفاظت و بهبود محیط زیست حاصل کرد. به طور کلی آنها بی که بیشتر با اجزای محیط زیست در ارتباط هستند عمدتاً جوامع محلی اند که بعضاً نیز از منظر اقتصادی کم بر خوردار تر می باشند و همین امر باعث می شود تا آنها برای بر آورد نیاز های روز مره خود به استفاده بی رویه و بعضاً نادرست از محیط زیست مبادرت داشته باشند. از اینرو نیازمندی آنها به آموزش بیشتر انکارناپذیر است. در این راستا بر گزاری دوره های آموزشی برای صیادان سنتی در خصوص الزامات حفاظت از آبزیان، ساکنان مناطق جنگلی در خصوص عدم چرای دام ها در مراتع دولتی، اختصاص واحدهای درسی یا درج برخی مطالب در میان کتاب های درسی و... قابل ذکر است.

■ وظایف مردم در قبال محیط زیست چیست؟

بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی در انتقال و ثروت های عمومی که مصادیق بر شمرده شده، برای چندین موضوع محیط زیست هستند، مصالح عامه نهفته است. هر چند خطاب این اصل، حکومت اسلامی است، اما این به آن معنا نیست که مردم نسبت به محیط زیست وظیفه ای ندارند. وابستگی متقابل مردم به یکدیگر در خصوص جنبه های مختلف محیط زیست باعث می شود تا ضرورت حفاظت از محیط زیست از سوی تمام اشخاص بیشتر احساس شود. این مهم در بحران های آبی میان استان های کشور قابل محسوس است. جنبه ها و ابعاد مختلف محیط زیست قابل محصور شدن در تقسیم های سیاسی کشوری و جهانی نیستند. به تعبیر دیگر عملکرد تمام اشخاص بر یکدیگر می تواند مؤثر باشد.

■ نقش شهروندی در موضوع محیط زیست چه ابعادی دارد؟

هر چند پیوندهای شهروندی میان اشخاص با یک موجودیت سیاسی باعث می شود که آنها داشتن محیط زیست سالم را مطالبه کنند، اما این فقط شهروندان نیستند که از این حق برخوردار هستند، بلکه تمام اشخاص حاضر در یک سرزمین باید از حق داشتن محیط زیست سالم بهره مند باشند. به معنای دیگر، حق بر محیط زیست سالم یک حق بنیادین است. حتی می توان ادعای دیگر و فرا تری داشت تا محیط زیست سالمی برای زیست انسان ها وجود نداشته باشد، نوبت به تحقق و استیفا سایر حق های بشری نخواهد رسید.

برخی از ابعاد محیط زیست دارای جنبه های بین المللی است. در این خصوص می توان به حفاظت از لایه اوزون و همچنین گرمایش جهان اشاره کرد. این موضوع از یک زاویه بسیار اهمیت دارد و آن هم مفهوم «شهروند جهانی» است. هر چند مفهوم شهروندی جهانی یک اصل و آرزوی بسیار دور از دسترس است و با واقعیت های جهان امروز سازگار نیست، اما با جنبه های مذکور بسیار هم راستاست و لزوم حفاظت از این ابعاد به نوعی در گرو همین مفهوم است. به عبارت دیگر محیط زیست باعث می شود که به مفهوم شهروند جهانی دامن زده شود و هم این مفهوم است که می تواند متکفل بر آورد آن ابعاد محیط زیست باشد.

■ نسل امروز در راستای حفظ محیط زیست برای آیندگان چه وظایفی دارند؟

یکی از شناخته شده ترین اصول حقوق محیط زیست، اصل «عدالت بین نسلی» است. بر اساس این اصل، محیط زیست و بدیهه ای است که نسل حاضر باید آن را به صورت صحیح و سالم به نسل بعدی منتقل و نمی تواند آن به نحوی بهره برداری کند که نسل آتی را از مواز اهل الهی بی بهره باشد. پیش فرض این اصل آن است که منابع محدود و بعضاً غیر قابل تجدید بوده یا بسیار کند جایگزین می شوند، به نحوی که عدم تعهد نسبت به آنها در حال حاضر می تواند نسل آتی را در بر آورد نیازهای خود با مشکل اساسی مواجه کند. اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم نیز بر این موضوع تأکید کرده در ذیل اصل دوم، راه تحقق آن را بر نامهریزی و مدیریت دقیق و متناسب دانسته است. اعلامیه ربو ۱۹۹۲ نیز در اصل سوم خود به این مسئله اشاره کرده است.

■ خلأها و کاستی های گوناگون در قوانین و مقررات زیست محیطی چیست؟

در این زمینه می توان به موارد متعدد اشاره کرد که ۸ مورد از مهم ترین آنها عبارتند از:

- ۱- جرمه های مالی
- ۲) تأکید بر نسل اول قانون گذاری در حوزه محیط زیست با همان رویکرد پلیسی
- ۳) لزوم حرکت به سمت قوانین بازار - یا به یا انگیزشی
- ۴) اقتصاد نبودن برخی از تأسیسات و تجهیزات لازم برای کاهش آثار سوء محیط زیستی فعالیت های تجاری و صنعتی که در قوانین استفاده از آنها الزامی شده اند.
- ۵) عدم ورود سمن ها به فرآیند قانونگذاری و اجرای قوانین و مقررات
- ۶) عدم تلقی حق بر محیط زیست به عنوان یکی از حقوق اساسی و درج آن در قانون اساسی
- ۷) نظارت نا کافی بر فرآیندهای اجرای قوانین و مقررات محیط زیستی
- ۸) سنگین کردن کف مشامات بانقض های قوانین و مقررات در برابر کف مشکلات وضعیت اقتصادی جاری

شغفه ای که حسن آقا را نجات داد



گفتم نه؛ متوجه شدم، اما شما می توانید از «حق شغفه» خود استفاده کنید.

با تعجب پیشتری طوری که گویی فضایی حرف می زدم، پرسید «حق چی چی؟»

شروع کردم و برایش توضیح دادم که بر اساس ماده ۸۰۴ قانون مدنی «حق شغفه زمانی محقق می شود که مال غیرمنقول قابل تقسیمی

بین دو نفر مشترک باشد و یکی از دو شریک، حصه خود را به قصد

گذشت و گذشت تا اینکه هفته گذشته فهمیدم زمین را به فرد دیگری فروخته است! جا خوردم. هر قدر رنگ زدم تا بگویم پس

چرا به من نفرستی من که این همه سال برای فروش آن صبر کرده

بودم، جوابم را نداد. در خانه اش رفتم، یسا نبود یا به هر حال در را به

روی من باز نمی کرد.»

اینجابود که همه بابش ناراحتی حسن آقا به او حق دادند و تأسفد خوردند.

یکی گفت عجب آدمی هست. دیگری هم گفت ای نامرد، یکی گفت

بی وجدان. من هم که داشتم به صحبت های حسن آقا گوش می دادم

گفتم «بخشید حسن آقا این طوری که برای شما خیلی خوب شد»

همه با تعجب یک نگاهی به من کردند، البته نه نگاه معمولی که «بابا

بچه تو چی میگویی» در نگاهشان موج می زد. من هم که دانشجوی

حقوق بودم و حسن نجات دنیا درونم شعله ور بود، گفتم از همین جمع کوچک شروع کنم.

حسن آقا گفت کجاش خوبه دخترم؟ اینکه رفیقم نامرد از آب درآمد

یا اینکه زمینی که چند سال برایش صبر کرده بودم و حالا باید با یک

غریبه ای که نمی شناسم شریک بشوم؟

گفتم اینکه بالاخره همه زمین برای شما شد!

گفت مثل اینکه خوب گوش نکردی؟! حق داری... آدم باورش

نمی شود زمین را به کس دیگری فروخته باشد.

بیع به شخص ثالث منتقل کند و شریک دیگر حق دارد قیمتی را که

مشتري داده است، به او بدهد و حصه منبیره را تملک کند حق مزبور

را حق شغفه و صاحب حق را شفیع می گویند.»

مخلص کلام اینکه «شما برای خرید زمین شریکتان دارای اولویت

بودید.»

لبخند رضایت حسن آقا ترغییم کرد که توضیحات بیشتری به او بدهم.

در نتیجه توضیح دادم که چند شرط حتما باید وجود داشته باشد:

۱- مال غیرمنقول باشد؛ مانند ملک و زمین.

۲- شرکت به حالت مشاع باشد.

۳- مال غیرمنقول، قابل تقسیم باشد.

۴- شرکت در مال، بین دو نفر باشد.

۵- معامله شریک باید به قصد فروش و مالک کردن دیگری باشد.

۶- زمانی که شریک می خواهد حق شغفه خود را اعمال کند، باید

همان مبلغی را که مشتری به شریک داده به او بدهد نه کمتر و نه

بیشتر از آن.

به حسن آقا گفتم «با توجه به توضیحاتی که دادید، تمام شروط در

مورد زمین شما وجود دارد.»

حسن آقا که تازه متوجه شده بود چه شده است، اخم هایش را از هم باز

کرد و گفت «یعنی الان من می توانم زمینم را پس بگیرم؟!»

«بله که می توانید و البته بخت با شما یار بودا

--چطور؟!»

«آخه حق شغفه فوری هست.

-- یعنی چی؟»

دوباره درباره فوری بودن حق شغفه توضیح دادم «شریک باید به محض

آگاه شدن از وقوع بیع، حق خود را اعمال کند. مطابق قانون مدنی هر کسی

آگاه به قانون است و چه با آن مسموع نخواهد بود، بنابراین نداشتن آگاهی

از معامله و فوری بودن حق باید در مقام اثبات چیزی غیر از جهل به قانون

باشد. همچنین تأخیری که در اعمال حق شغفه باعث اسقاط حق شغفه

می شود، تأخیری است که از نظر عرف اهمال و تقصیر محسوب شود.»

به زبان ساده گفتم «چون این معامله تازه انجام شده و شما هم به تازگی

از این معامله باخبر شدید، این حق برای شما قابل اثبات است. به نظر من

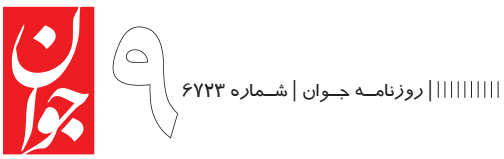
همین فردا برای گرفتن حقتون از مراجع قضایی اقدام کنید.»

حسن آقا با خوشحالی از من تشکر کرد و گفت حتما فردا می روم و

اقدامات لازم را انجام می دهم. دختر خوب خود را تو به من رساند. من

واقعا از چنین موضوعی بی اطلاع بودم. اینجاست که باید گفت الحق

علم بهتر از ثروت است.



محیط زیست ۸ خلأ قانونی جدی دارد

رئیس اداره تدوین مقررات و امور حقوقی بین المللی سازمان بنادر و دریانوردی معتقد است عدم بازدارندگی مجازات ها و سمن ها به فرآیند قانونگذاری و اجرای قوانین مقررات و نیز نظارت نا کافی بر فرآیندهای اجرای قوانین و مقررات محیط زیستی از جمله خلأها و کاستی های محیطی زیستی در قوانین و مقررات است. صادق جعفری زاده در ابی در گفت و گو با «جوان» به چند سؤال درباره حقوق محیط زیست پاسخ داده است که در ادامه می خوانید:

■ افزایش دانش حقوقی محیط زیست چگونه ممکن است؟

مطابق با اصل ۱۹ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲، آموزش مسائل محیط زیستی هم برای جوانان و هم برای بزرگسالان لازم است و باید توجه مقتضی به کم بر خوردان معطوف داشت تا اینکه بتوان اعتقاد روشن و عملکرد مسئولانه اشخاص، شرکت ها و جوامع را در حفاظت و بهبود محیط زیست حاصل کرد. به طور کلی آنها بی که بیشتر با اجزای محیط زیست در ارتباط هستند عمدتاً جوامع محلی اند که بعضاً نیز از منظر اقتصادی کم بر خوردار تر می باشند و همین امر باعث می شود تا آنها برای بر آورد نیاز های روز مره خود به استفاده بی رویه و بعضاً نادرست از محیط زیست مبادرت داشته باشند. از اینرو نیازمندی آنها به آموزش بیشتر انکارناپذیر است. در این راستا بر گزاری دوره های آموزشی برای صیادان سنتی در خصوص الزامات حفاظت از آبزیان، ساکنان مناطق جنگلی در خصوص عدم چرای دام ها در مراتع دولتی، اختصاص واحدهای درسی یا درج برخی مطالب در میان کتاب های درسی و... قابل ذکر است.

■ وظایف مردم در قبال محیط زیست چیست؟

بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی در انتقال و ثروت های عمومی که مصادیق بر شمرده شده، برای چندین موضوع محیط زیست هستند، مصالح عامه نهفته است. هر چند خطاب این اصل، حکومت اسلامی است، اما این به آن معنا نیست که مردم نسبت به محیط زیست وظیفه ای ندارند. وابستگی متقابل مردم به یکدیگر در خصوص جنبه های مختلف محیط زیست باعث می شود تا ضرورت حفاظت از محیط زیست از سوی تمام اشخاص بیشتر احساس شود. این مهم در بحران های آبی میان استان های کشور قابل محسوس است. جنبه ها و ابعاد مختلف محیط زیست قابل محصور شدن در تقسیم های سیاسی کشوری و جهانی نیستند. به تعبیر دیگر عملکرد تمام اشخاص بر یکدیگر می تواند مؤثر باشد.

■ نقش شهروندی در موضوع محیط زیست چه ابعادی دارد؟

هر چند پیوندهای شهروندی میان اشخاص با یک موجودیت سیاسی باعث می شود که آنها داشتن محیط زیست سالم را مطالبه کنند، اما این فقط شهروندان نیستند که از این حق برخوردار هستند، بلکه تمام اشخاص حاضر در یک سرزمین باید از حق داشتن محیط زیست سالم بهره مند باشند. به معنای دیگر، حق بر محیط زیست سالم یک حق بنیادین است. حتی می توان ادعای دیگر و فرا تری داشت تا محیط زیست سالمی برای زیست انسان ها وجود نداشته باشد، نوبت به تحقق و استیفا سایر حق های بشری نخواهد رسید.

برخی از ابعاد محیط زیست دارای جنبه های بین المللی است. در این خصوص می توان به حفاظت از لایه اوزون و همچنین گرمایش جهان اشاره کرد. این موضوع از یک زاویه بسیار اهمیت دارد و آن هم مفهوم «شهروند جهانی» است. هر چند مفهوم شهروندی جهانی یک اصل و آرزوی بسیار دور از دسترس است و با واقعیت های جهان امروز سازگار نیست، اما با جنبه های مذکور بسیار هم راستاست و لزوم حفاظت از این ابعاد به نوعی در گرو همین مفهوم است. به عبارت دیگر محیط زیست باعث می شود که به مفهوم شهروند جهانی دامن زده شود و هم این مفهوم است که می تواند متکفل بر آورد آن ابعاد محیط زیست باشد.

■ نسل امروز در راستای حفظ محیط زیست برای آیندگان چه وظایفی دارند؟

یکی از شناخته شده ترین اصول حقوق محیط زیست، اصل «عدالت بین نسلی» است. بر اساس این اصل، محیط زیست و بدیهه ای است که نسل حاضر باید آن را به صورت صحیح و سالم به نسل بعدی منتقل و نمی تواند آن به نحوی بهره برداری کند که نسل آتی را از مواز اهل الهی بی بهره باشد. پیش فرض این اصل آن است که منابع محدود و بعضاً غیر قابل تجدید بوده یا بسیار کند جایگزین می شوند، به نحوی که عدم تعهد نسبت به آنها در حال حاضر می تواند نسل آتی را در بر آورد نیازهای خود با مشکل اساسی مواجه کند. اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم نیز بر این موضوع تأکید کرده در ذیل اصل دوم، راه تحقق آن را بر نامهریزی و مدیریت دقیق و متناسب دانسته است. اعلامیه ربو ۱۹۹۲ نیز در اصل سوم خود به این مسئله اشاره کرده است.

■ خلأها و کاستی های گوناگون در قوانین و مقررات زیست محیطی چیست؟

در این زمینه می توان به موارد متعدد اشاره کرد که ۸ مورد از مهم ترین آنها عبارتند از:

- ۱- جرمه های مالی
- ۲) تأکید بر نسل اول قانون گذاری در حوزه محیط زیست با همان رویکرد پلیسی
- ۳) لزوم حرکت به سمت قوانین بازار - یا به یا انگیزشی
- ۴) اقتصاد نبودن برخی از تأسیسات و تجهیزات لازم برای کاهش آثار سوء محیط زیستی فعالیت های تجاری و صنعتی که در قوانین استفاده از آنها الزامی شده اند.
- ۵) عدم ورود سمن ها به فرآیند قانونگذاری و اجرای قوانین و مقررات
- ۶) عدم تلقی حق بر محیط زیست به عنوان یکی از حقوق اساسی و درج آن در قانون اساسی
- ۷) نظارت نا کافی بر فرآیندهای اجرای قوانین و مقررات محیط زیستی
- ۸) سنگین کردن کف مشامات بانقض های قوانین و مقررات در برابر کف مشکلات وضعیت اقتصادی جاری

بیع به شخص ثالث منتقل کند و شریک دیگر حق دارد قیمتی را که

مشتري داده است، به او بدهد و حصه منبیره را تملک کند حق مزبور

را حق شغفه و صاحب حق را شفیع می گویند.»

مخلص کلام اینکه «شما برای خرید زمین شریکتان دارای اولویت

بودید.»

لبخند رضایت حسن آقا ترغییم کرد که توضیحات بیشتری به او بدهم.

در نتیجه توضیح دادم که چند شرط حتما باید وجود داشته باشد:

۱- مال غیرمنقول باشد؛ مانند ملک و زمین.

۲- شرکت به حالت مشاع باشد.

۳- مال غیرمنقول، قابل تقسیم باشد.

۴- شرکت در مال، بین دو نفر باشد.

۵- معامله شریک باید به قصد فروش و مالک کردن دیگری باشد.

۶- زمانی که شریک می خواهد حق شغفه خود را اعمال کند، باید

همان مبلغی را که مشتری به شریک داده به او بدهد نه کمتر و نه

بیشتر از آن.

به حسن آقا گفتم «با توجه به توضیحاتی که دادید، تمام شروط در

مورد زمین شما وجود دارد.»

حسن آقا که تازه متوجه شده بود چه شده است، اخم هایش را از هم باز